



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان- ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

طراحی و اعتبارسنجی مدل فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد

آمنه سپهوند

دکتری مدیریت آموزشی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران

amenehsepahvand0@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این پژوهش طراحی مدل فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد و اعتبارسنجی آن می باشد. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی-توسعه ای و ماهیت مقطعی با رویکرد آمیخته در دو بخش کیفی با استراتژی داده بنیاد و کمی با روش مدلسازی معادلات ساختاری می باشد. در بخش کیفی نمونه آماری متشکل از خبرگان؛ اعم از اعضای هیأت علمی دانشگاه ها در رشته علوم تربیتی، دانشجویان دکتری و مدیران مدارس به روش هدفمند بود. از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و براساس معیار اشباع نظری، دوازده مصاحبه انجام شد. بر اساس مکتب اشتراوس و کوربین از طریق کدگذاری باز تعداد ۱۳۰ کد اولیه و از طریق کدگذاری محوری به ۴۷ و در مرحله کدگذاری انتخابی تعداد ۱۲ مقوله تشکیل شد و مدل شامل شرایط علی: پتانسیل وجودی، بایستگی تقویت حیطه عاطفی و مدیریت شکوفایی. شرایط راهبردی: تحقق تعالی شناختی، هدایت رسالتی و تعاملات دیالوژیک. شرایط مداخله گر: تاب آوری سیستمی و اجتماعی، پویایی قدرت و نابرابری، شرایط زمینه ای: اکوسیستم یادگیری متعالی و محیط های ارزش محور و پیامدها: مسئولیت پذیری اجتماعی و خودتنظیمی عالی طراحی شد. نتایج در بخش کیفی تبدیل به پرسشنامه سطح کمی با طیف لیکرت شد. حجم نمونه در بخش با نرم افزار Gpower به روش تصادفی انتخاب شد و پس از گردآوری و تجزیه و تحلیل آماری نتایج نشان داد همبستگی های مشاهده شده معنادار است.

واژگان کلیدی: فرهیخته، آموزش، آمیخته، داده بنیاد، مدلسازی معادلات ساختاری

مقدمه

نظام تربیتی جامعه با ایفای آموزش به نسل جدید وظیفه انتقال دانش، مهارت و ارزش ها را ساختاردهی و سازماندهی می کند و در ابعاد مختلف شناختی، اجتماعی و عاطفی فرصت یادگیری هدفمند فراهم می کند که علاوه بر انتقال میراث علمی گذشتگان وظیفه آماده سازی دانش آموزان برای رویارویی با دنیای پیچیده و متغیر امروزی بانه کارگیری روش های مدرن یادگیری فراهم می کنند. در سطحی متعالی تربیت دانش آموز و دانشجوی فرهیخته می تواند در توسعه کشورها به عنوان نیروی انسانی متری نقش تعیین کننده داشته باشد.

فرهیخته پروری دانش آموزان در آموزش مدرسه ای فرایندی سیستماتیک و چندبعدی است که باید علاوه بر تسلط بر دانش و مهارت های کاربردی بر شکوفاسازی پتانسیل وجودی در بعد اخلاقی و فکری به خردورزی انتقادی، مسئولیت اجتماعی، زیبایی شناختی و تربیت متعالی، بالاترین سطح عملکرد انسانی و شکوفاسازی روانی و فکری سوق می دهد و او را از انسانی بی تفاوت



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

به یک کنشگر اجتماعی آگاه تبدیل می کند. (Giroux, 2011) ریشه های تاریخی و فلسفی فرهیخته پروری دانش آموزان را می توان معادل Paideia در یونان باستان پیدا کرد که در آن آموزش یکسان و با کیفیت عالی برای همه، برای دستیابی به خرد و نه صرفاً آموزش های فنی حرفه ای در نظر می گرفتند. (Adler, 1982)

فرهیختگی مرحله ای است که آموزش می تواند دانش آموز را از نظر میراث تمدنی غنا بخشد به طوری که بتواند جهان را تحلیل و تفسیر کند و هدف آموزش صرفاً تربیت دانش آموزی برای مهره فنی در چرخه اقتصادی نباشد. (Oakeshott, 1989) نقش آموزش و علوم انسانی تربیت و پرورش تخیل و تفکر انتقادی با کمک مطالعه تاریخ، فلسفه و ادبیات است و نباید صرفاً هدف تربیت شهروندانی سودآور، اقتصادی و تک بعدی باشد که توانایی همدلی و قضاوت اخلاقی نداشته باشند (NussbaumT 2010).

اوگامبردیو (۲۰۲۶) نقش تفکر خلاق را در پردازش دانش، ایجاد راه حل های نوآورانه برای مشکلات و افزایش پتانسیل فکری و تقویت افراد مستقل و رقابتی در آموزش مدرن حیاتی دانست. میرزامورودوویچ (۲۰۲۶) نشان داد سواد روانشناختی بر رشد فکری نوجوانان تأثیر زیادی دارد و موجب استدلال انتزاعی، آگاهی فراشناختی و تصمیم گیری انطباقی می شود. جوکووا و بوگوباولنسکایا (۲۰۲۳) بیان کرد بلوغ شخصی مستلزم شکل گیری ویژگی هایی مانند استقلال و مسئولیت پذیری، از طریق ارتباط با یک بزرگسال مهم به شیوه خاص است که در آن امکان یک تجربه امن، استقلال در انتخاب فعالیت ها و اهداف در ارتباط با دنیای واقعی، عینی و اجتماعی هست. سیلگمن (۲۰۱۸) پیوند بین رشد شناختی، اخلاق و شکوفایی انسان را تبیین می کند و بر مسئولیت پذیری و شکوفایی تأکید می کند. میشر و کوهرلر (۲۰۱۶) در قالب مدل TAPACK به توصیف و تبیین نوع دانش مورد نیاز معلمان برای ادغام تکنولوژی در تدریس با ادغام و ترکیب دانش محتوایی، دانش تربیتی و دانش تکنولوژیکی به خلق دانش های جدید می پردازد که شامل توانایی استفاده از ابزارها، فناوری های روز به یادگیری، تفکر و حل مسئله است. ربیل (۲۰۱۵) بر ضرورت اخلاق در فضای مجازی و سواد رسانه به عنوان رکن فرهیختگی تأکید نموده است. نوسیام (۱۹۱۰) بیان نموده است که سیستم های آموزشی باید به جای تمرکز صرف بر اقتصاد و مهارت های فنی بر پرورش روحیه انتقادی و احساسات انسانی تمرکز کنند تا دموکراسی و اخلاق حفظ شوند. اوکشات (۱۹۸۹) مفهوم استقلال فکری و فرهیختگی را به عنوان یک میراث تمدنی نتیجه گیری نموده است و معتقد است آموزش نباید صرفاً ابزاری برای اهداف بیرونی باشد باید به تغییر درونی، تکامل انسان و ادراک از جهان بیانجامد و نباید انسان صرفاً عقاید موروثی را تکرار کند بلکه باید با استفاده از عقلانیت آنها را نقد کند و برای تحقق اخلاق مداری و فرهیختگی بلید جایگاه خود را در تمدن و تاریخ انسانی درک کند. در این فرایند از موجودی بیولوژیک به سمت مسئولیت پذیری برای خود، دیگران و جهان، نگاهی عمیق تر پیدا کند.

پیشینه ها نشان می دهد در زمینه فرهیخته پروری دانش آموزان شکاف تحقیقاتی وجود دارد به رغم وجود مفاهیم کلاسیک در حوزه فضیلت و اخلاق مدنی در خصوص نقش آنها در محیط های مجازی و مواجهه با چالش های اخلاقی ناشی از هوش مصنوعی خلأ نظری وجود دارد. همچنین شکاف روش شناختی در خصوص کاربرست نظریه در سطح عملکردی و اجرایی موجود است و مفاهیم در ادبیات موجود بیشتر انتزاعی می باشد. پژوهش ها در نظام آموزشی فرهنگی غرب انجام شده است و خلأ انجام این پژوهش در بافت آموزشی فرهنگی ایران به روش آمیخته احساس می شود.

در دنیای پیچیده و پر آشوب کنونی آموزش ورای انتقال دانش و مهارت های فنی تأکید بر نمره باید به دنبال ایجاد معنا باشد و فرهیخته پروری دانش آموزان با اهمیت به رشد فضائل اخلاقی و خود آگاهی به تاب آوری دانش آموزان در مقابل فشارهای روانی و بحران های هویت کمک می کند و با پرورش فضائل مدنی به تربیت شهروندانی می پردازد که قادر به درک دیگری و همدلی و سعه



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

صدر در جهانی که با افزایش قطبی شدگی اجتماعی و تنش های گوناگون روبرو است. همچنین با توجه به ظهور هوش مصنوعی و تولید دانش محض فرهیخته پروری دانش آموزان به تولید انسان متمایز در سایه اخلاق، تفکر انتقادی تشخیص حقیقت از جعل و اخذ تصمیمات اخلاقی در تعامل با ماشین نیاز به بازتعریف فرهیختگی در فضای سایبری احساس می شود .

بنابراین هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد و اعتبارسنجی آن است و سوال اصلی پژوهش این است مدل فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد کدام است؟ و اعتبار سنجی آن چگونه است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی-توسعه ای بود کاربردی از این نظر که جهت کاربرد عملی دانش است و نتایج آن مستقیماً در مدارس متوسطه قابل کاربرد و قابلیت اجرا است ماهیت پژوهش مقطعی است و از نظر روش گردآوری داده ها توصیفی و ماهیت پژوهش آمیخته می باشد. در بخش کیفی جامعه آماری از سه طیف از بین صاحب نظران و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه ها در سطح استان لرستان، مدیران مدارس و کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش بود استانهای لرستان، کرمانشاه و خوزستان بود. ابزار پژوهشی مصاحبه نیمه ساختاریافته و نمونه گیری هدفمند و قضاوتی بود معیار ورود شرکت کنندگان به مصاحبه؛ تخصص و خبرگی براساس مدرک، سابقه تدریس، سابقه کار مرتبط در حوزه مورد نظر بود. براساس معیار اشباع نظری و رسیدن به مرحله ای که دیگر کد جدیدی برای مقولات حاصل نشد، ۱۲ مصاحبه انجام شد.

جدول ۱ اطلاعات جامعه آماری خبرگان

کد مصاحبه	جنسیت	شغل	تحصیلات	سن
۱	زن	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکترای تخصصی مدیریت آموزشی	۴۹
۲	مرد	مدیر کل سابق آموزش و پرورش	فوق لیسانس	۵۹
۳	زن	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکترای تخصصی رشته مدیریت آموزشی	۵۰
۴	مرد	عضو هیأت علمی دانشگاه- مولف مقاله با موضوع مسئولیت اجتماعی	دکترای تخصصی مدیریت	۵۳
۵	زن	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکتری مدیریت آموزش عالی	۴۳
۶	زن	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکترای تخصصی رشته مدیریت آموزشی	۴۶
۷	زن	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکترای تخصصی رشته برنامه ریزی درسی	۴۴
۸	مرد	عضو هیأت علمی دانشگاه	دکترای تخصصی مدیریت آموزشی	۵۳
۹	مرد	مدیر دبیرستان	دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی	۴۴
۱۰	مرد	مدیر دبیرستان	دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی	۴۶



ICPSE
2026

۱۱	زن	مدیر دبیرستان	فوق لیسانس	۳۹
۱۲	زن	کارشناس آموزش و پرورش	فوق لیسانس	۴۵

ترکیب مصاحبه شوندگان از نظر جنسیت بدین شکل است که از ۱۲ نفر مصاحبه شونده میزان ۸۴٪ آنان را زنان و میزان ۶٪ آنان را مردان تشکیل می دهند. همچنین از نظر تحصیلات میزان ۳۶٪، کارشناسی ارشد و میزان ۲۴٪ را دانشجوی دکتری تخصصی تشکیل می دهد همچنین میزان ۸۴٪ را دکتری تخصصی تشکیل می دهد.

ابزار سنجش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود مصاحبه با رعایت اصول اخلاقی، هماهنگی قبلی و به صورت حضوری انجام شد. بعضی سوالات در حین انجام مصاحبه با توجه به پاسخ ها به صورت فی البداهه پرسیده شد. مصاحبه ها با اطلاع مصاحبه شونده ضبط شد و سپس تایپ و تحلیل شدند. سوالات پژوهش شامل در بخش کیفی شامل ۱- علل اثرگذار بر فرهیخته پروری دانش آموزان چیست؟ ۲- شرایط زمینه ای اثرگذار بر فرهیخته پروری دانش آموزان چیست؟ ۳- شرایط مداخله گر اثرگذار بر فرهیخته پروری دانش آموزان چیست؟ ۴- مجموعه راهبردهای موثر بر فرهیخته پروری دانش آموزان چیست؟ ۵- پیامدهای فرهیخته پروری دانش آموزان چیست؟ بود.

برای تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با کمک نرم افزار MAXQDA2020 انجام شد. جهت اطمینان بیشتر از روایی و پایایی به روش مثلث سازی داده ها با منابع پژوهش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همسوسازی شد. برای اعتبارسنجی یافته ها دو نفر دیگر به طور همزمان کدگذاری انجام داده و ضریب توافق کدگذاران کاپا ۷۲٪ حاصل شد. شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR): جهت محاسبه این شاخص از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده می شود و با توضیح اهداف آزمون برای آن ها و ارائه تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای سوالات از آن ها خواسته می شود تا هریک از سوالات را بر اساس طیف سه گزینه ای لیکرت «۲- ضروری» «۱- مفید ولی غیر ضروری» و «۰- غیر ضروری» طبقه بندی کنند. در پژوهش حاضر این شاخص ۱ به دست آمد. شاخص روایی سازه (CVI): بدین صورت که متخصصان مربوط بودن هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرتی ۴ گزینه ای «۱- غیر مرتبط» «۲- تا حدی مرتبط» «۳- مرتبط» و «۴- کاملاً مرتبط» مشخص می کنند. در پژوهش حاضر ۱ به دست آمد.

بخش کمی با روش پیمایشی و توصیفی و ابزار پرسشنامه منتج از نتایج بخش کیفی بر مبنای مقیاس ۵ درجه ای لیکرت و سنجه ها از خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲)، خیلی کم (۱) تدوین و ارزش گذاری شد. مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و مقدار پایایی مرکب (CR) براساس نظر سه نفر از متخصصان به ترتیب ۰/۶۲۵ و ۰/۷۹۹ به دست آمد AVE، همواره بزرگ تر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا نیز تایید می شود. مقدار پایایی مرکب (CR)، نیز بزرگ تر از AVE است روایی و اگر یکی از معیار بررسی برازش مدل های اندازه گیری است که دو موضوع را پوشش می دهد. الف)، مقایسه میزان همبستگی بین شاخص های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص ها. ب)، مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص هایش. پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴۱ به دست آمد. جامعه آماری در بخش کمی پژوهش شامل تمامی

مدیران مدارس دوره متوسطه استان لرستان و حجم نمونه براساس نرم افزار Gpower تعیین و براسای نمونه گیری تصادفی خوشه ای نمونه گیری انجام شد. پرسشنامه ها به صورت حضوری برای افراد شامل نمونه آماری ارسال و گردآوری شد پیش پردازش داده ها شامل شناسایی داده های گم شده و جایگذاری آن ها، شناسایی آزمودنی های بی تفاوت و شناسایی داده های پرت و جای گذاری آن ها انجام شد و در بخش آمار استنباطی فرضیه های پژوهش با کمک نرم افزارهای SPSS23, Lisrel8.8 و SMARTPLS3 آزمون شدند. نتایج نرم افزار در قالب روش مدل سازی معادلات ساختاری مورد استفاده قرار گرفت. این روش برای تحلیل پژوهش در زمانی که متغیرهای آشکار دارای خطای اندازه گیری بوده و روابط بین متغیرهای پنهان پیچیده است مناسب است، به این وسیله دقت شاخص ها و یا متغیرهای قابل مشاهده اندازه گرفته شد و روابط علی بین متغیرهای نهفته و میزان واریانس موجود واکاوی شد.

یافته ها

در پاسخ به سوال اول پژوهشی مبنی بر اینکه مدل فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد کدام است؟ مصاحبه ها ابتدا در محیط نرم افزار MAXQDA2024 تایپ شدند و پس از مطالعه در مرحله کدگذاری باز ۱۵۰ کد اولیه و ۵۰ مموی تحلیلی حاصل شد لازم به ذکر است در ادامه کدگذاری با مطالعه یادداشت ها و مرور کدهای قبلی در نهایت با حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای مشابه و همپوشان ۱۳۰ کد اولیه باقی ماند. و در مرحله بعدی مقوله ها در مرحله کدگذاری محوری به تعداد ۴۷ به دست آمدند و در مرحله کدگذاری انتخابی ۱۲ مقوله انتزاعی تر تشکیل و در مدل پارادایمی اشتراوس کوربین شرایط علی، در قالب های شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، استراتژی ها و پیامدها دسته بندی شدند و مدل فرهیخته پروری دانش آموزان طراحی شد. و یافته های حاصل شده در قالب کدهای باز، محوری و گزینشی به شرح جدول ذیل ارائه می گردد لازم به ذکر است از درج کدهای اولیه به دلیل جلوگیری از اطاله کلام خودداری شد.

جدول شماره ۳ نتایج کدگذاری محوری و گزینشی

کدگذاری	کدگذاری محوری
گزینشی	
شرایط علی	توانمندسازی تجربه
پتانسیل وجودی	ریسک پذیری پویایی
	پیوسته هدفمند
بایستگی حیطه	ترویج نگرش مثبت
عاطفی	تناسب آموزش با نیاز دانش آموز و زندگی واقعی
	تشویق به جای تنبیه
مدیریت شکوفایی	شناسایی قابلیت های فردی دانش آموزان



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

مدیریت انگیزش درونی	تحقق تعالی	
ایجاد امنیت روانی و فضای اعتماد	شناختی	
استفاده از تفاوت فردی در جهت غنای یادگیری		
هدایت تحصیلی تخصصی و کارآمد		
نگهداشت استعدادها		
ساعی پروری	شرایط راهبردی	
کمک به ایجاد موفقیت		
ارزیابی ثمربخش دانش آموز		
یاددهی - یادگیری اثربخش		
مشاوره کاربردی	هدایت رسالتی	
پاسخگویی		
پذیرش دیگری	تعاملات دیالوژیک	
توانایی همکاری با دیگران		
مهارت گوش دادن		
تنش سازنده		
معنابابی		
بازگشت به خود		
رشد خودآگاهی		
بازیابی هویت اصیل		
قابلیت بازآرایی	شرایط مداخله گر	تاب آوری
انعطاف پذیری	سیستمی و	
تنوع و افزونگی	اجتماعی	
شکاف دسترسی و مهارت های تکنولوژیک	پویایی قدرت و	
نابرابری سرمایه فرهنگی و منابع مادی	نابرابری	



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

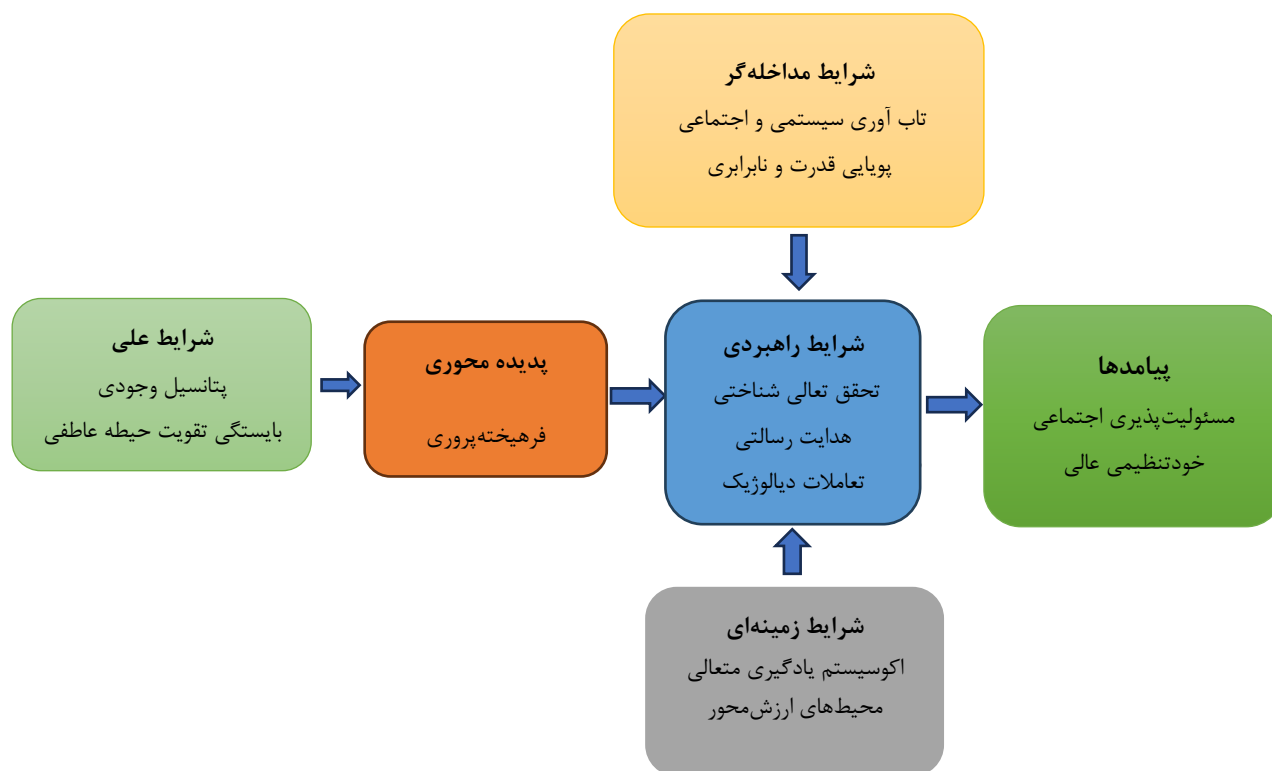
<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

تضعیف سواد اطلاعاتی

شرایط زمینه‌ای	اکوسیستم	یادگیری سیال فرامکانی و فرازمانی
	یادگیری متعالی	یادگیری شبکه‌ای
		تقویت تفکر خلاق
		تقویت تفکر انتقادی
		تقویت تفکر تحلیلی
	محیط‌های	الگودهی اخلاقی معلم
	ارزش‌محور	حمایت عاطفی
		منش اخلاقی
		درونی‌سازی ارزش‌ها
پیامدها	مسئولیت‌پذیری	اخلاقمداری دیجیتال و هوش مصنوعی
	اجتماعی	همدلی
		اخلاق مدنی
		مشارکت‌جوی اجتماعی
	خودتنظیمی عالی	خودمدیریتی
		فراوان‌شناختی
		سواد رسانه‌ای
		خودمدیریتی



ICPSE
2026



شکل ۱ مدل فرهیخته پروری دانش آموزان

در پاسخ به سوال دوم پژوهشی مبنی بر اعتبارسنجی داده های به دست آمده در مدل فرهیخته پروری دانش آموزان چگونه است؟ برای تجزیه و تحلیل و آزمون متغیرها از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. جهت اطمینان از روایی یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی، تحلیل عاملی اکتشافی جهت اطمینان از صحت یافته انجام شد. پیش از اقدام به استفاده از روش تحلیل عاملی باید از کافی بودن حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اطمینان حاصل شود. یکی از روش های بررسی کفایت نمونه جهت تحلیل عاملی محاسبه شاخص کفایت نمونه است که آن را با نماد KMO نمایش می دهند. اگر مقدار شاخص KMO بیش از ۰/۷ باشد حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. مقدار KMO نیز ۰/۷۲ و در بازه مورد قبول به دست آمد و تحلیل عاملی اکتشافی نیز انجام شد که نتایج آن در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۱ تحلیل عاملی اکتشافی

عوامل استخراج شده	مقدار ویژه عامل	درصد واریانس تبیین شده توسط عامل	درصد کل واریانس تبیین شده
فرهیخته پروری دانش آموزان	۸.۳۸۹	۱۰.۲۶۲	۵۶.۰۴



ICPSE
2026

در این پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است. این آزمون از نوع ناپارامتری است و برای اعتبارسنجی همقواری متغیرهای رتبه‌ای در دو نمونه (مستقل و یا غیرمستقل) و یا همقواری توزیع یک نمونه با توزیعی که برای جامعه فرض شده است به کار می‌رود. اسمیرنوف یک نمونه‌ای در مواردی به کار می‌رود که متغیرها رتبه‌ای باشند و توزیع متغیر رتبه‌ای را در جامعه بتوان مشخص نمود

. برای آزمون نرمال بوده داده‌ها فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H0: توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است

H1: توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال نیست. نتایج آزمون نرمال بوده داده‌ها در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲ آزمون نرمال بودن داده‌ها

سازه مرتبه ۲ (مقوله محوری)	آماره کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرهیخته پروری دانش‌آموزان	۰/۸۴۷	> ۰/۰۵	نرمال

بنابراین از تحلیل عاملی تأییدی برای سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آنها استفاده شده است. تحلیل عاملی تأییدی ارتباط گویه‌ها (سوالات پرسشنامه) را با سازه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

نتایج تحلیل عاملی سازه فرهیخته پروری شامل ۱ متغیر پنهان و ۱۲ متغیر قابل مشاهده می‌باشد. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگ‌تر از ۰/۳ است نشان‌دهنده آن است همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی)، با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. پس از اینکه همبستگی متغیرها شناسایی گردید آزمون معناداری صورت گرفت جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره تی-ولینو استفاده شد. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی شد نتایج شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورد استفاده در سطح اطمینان ۵٪ مقدار آماره تی-ولینو بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است.

جدول ۳ شاخص‌های برازش فرهیخته پروری دانش‌آموزان

مدل	X2/df	RMSEA	NFI	CFI	GFI	IFI	RFI	SRMR	AGFI
میزان قابل قبول ۱-۳	< ۰/۱	< ۰/۱	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۸

1 Kolmogorov-Smirnov



ICPSE
2026

۰/۹۷	۰/۲۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۵	۱/۱۲	۱/۶۹	میزان محاسبه شده
------	------	------	------	------	------	------	------	------	------------------

تمامی بارهای عاملی از ۰/۳ بالاتر می باشند برای بیان مقبولیت مدل از شاخص های برازش هنجار شده بنتلر-بونت، برازش نسبی، برازش افزایش، شاخص های تطبیقی و مجذور کامل استفاده شده است که نتایج بدست آمده از مدل در جدول ۳ نمایش داده شده است.

خطای جذر میانگین مربعات (RMSEA): این شاخص بر مبنای تحلیل ماتریس باقیمانده قرار دارد و بر خلاف بسیاری از شاخصهای برازش برای فواصل اطمینان مختلف نیز قابل محاسبه است. این شاخص بر مبنای پارامتر غیر مرکزی قرار دارد. مقدار این شاخص اگر برابر صفر باشد نشان دهنده کوچکتر بودن کای اسکور نسبت به درجه آزادی می باشد و حد مجاز آن مقدار ۰/۱ می باشد. مقدار RMSEA به دست آمده ۰/۱۲ می باشد که با توجه به مقدار استاندارد کمتر از ۰/۱ مطلوب می باشد.

شاخص های تطبیقی (NFI، CFI، TRFI و IFI)

مقدار NFI (شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت) ۰/۹۵ به دست آمده است که با توجه به مقدار استاندارد ۰/۹ که حد مطلوب این شاخص می باشد نشان از برازش خوب مدل دارد. مقدار IFI (شاخص برازش نسبی) ۰/۹۹ می باشد که این شاخص نیز نشان از برازش خوب مدل دارد. مقدار RFI (شاخص برازش افزایشی) ۰/۹۹ به دست آمده است که نشان می دهد مدل از برازش خوبی برخوردار است. مقدار CFI (شاخص برازش تطبیقی) ۰/۹۸ به دست آمده است که این شاخص هم نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد. کای اسکور بهنجار (X^2/df) این شاخص از تقسیم کای دو به درجه آزادی به دست می آید. نسبت کای دو به درجه آزادی برابر ۱/۶۹۱ به دست آمده که مقدار مصلوبی می باشد در نتیجه با توجه به کلیه شاخص های به دست آمده می توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. بارهای عاملی نشان دهنده میزان تأثیر متغیر مشاهده شده در تبیین و اندازه گیری متغیرهای مربوط به خود می باشد. برای تأیید بار عاملی به سطح معناداری توجه می شود.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل مسئولیت فرهیخته پروری دانش آموزان به روش داده بنیاد انجام شد. براساس نتایج به دست آمده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت و کدگذاری ببراساس مدل پارادایمی اشتراوس کوربین کدهای انتخابی در پنج طبقه: ۱- شرایط علی: پتانسیل وجودی، بایستگی تقویت حیطه عاطفی و مدیریت شکوفایی ۲- پدیده محوری: فرهیخته پروری دانش آموزان ۳- شرایط زمینه ای: اکوسیستم یادگیری متعالی، محیط های ارزش محور ۴- شرایط مداخله گر: تاب آوری سیستمی و اجتماعی و پویایی قدرت و نابرابری ۵- شرایط راهبردی: تحقق تعالی شناختی، هدایت رسالتی، تعاملات دیالوژیک ۶- پیامدها: مسئولیت پذیری اجتماعی و خودتنظیمی عالی که مدل فرهیخته پروری را تشکیل دادند.

نتایج حاصل از تحلیل تفسیری داده ها در شرایط علی؛ شامل پتانسیل وجودی، بایستگی تقویت حیطه عاطفی و مدیریت شکوفایی عوامل اصلی؛ علل و محرک های به وجود آورنده و فرهیخته پروری دانش آموزان است. پتانسیل وجودی به عنوان اولین مقوله از شرایط علی با توجه به زیرمقوله های آن که شامل توانمندسازی تجربه، ریسک پذیری پویایی پیوسته هدفمند است و در این نظریه با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود:



ICPSE
2026

فرهیخته پروری از هیچ شروع می شود از آنچه استعداد درونی و بالقوه دانش آموز و عموماً یادگیرنده هست شروع می شود و نیاز به بستری برای بالفعل شدن و آشکارسازی دارد و نقشی بنیادین در فرایند تربیت دارد. این مقوله به تجلی سازی پتانسیل های نهفته در وجود افراد اشاره دارد مسئولیت مراکز آموزشی این است که نگذارند ظرفیت های بالقوه پنهان بماند و باید تعامل مستمر و محیط حمایتی که مدرسه فراهم می کند آنرا بالفعل نماید. و در نتیجه با توانمندسازی تجربه، ریسک پذیری پویایی پیوسته بالفعل می شود این مقوله با نظرات گیروگس (۲۰۱۸)، هایدگر، پائولو فریزه و راجرز ۲ منطبق است. مقوله بایستگی تقویت حیطه عاطفی به عنوان دومین مقوله از شرایط علی با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: ترویج نگرش مثبت، تناسب آموزش با نیاز دانش آموز و زندگی واقعی و تشویق به جای تنبیه و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: بایستگی تقویت حیطه عاطفی یک ضرورت و شرط لازم برای تبدیل پتانسیل فردی به عمل در فرایند فرهیخته پروری است و بی توجهی به آن به ایجاد شکاف میان آموزش مهارت محور و تربیت انسان محور است. این مقوله با رویکرد قابلیت های آمار تیاسن ۳ که معتقد است عدالت و توسعه زمانی محقق می شود که قابلیت های افراد را تقویت کنیم همسو است و با اعتقاد ویگوتسکی ۴ مبنی بر اینکه یادگیری زمانی رخ می دهد که ما در لبه توانایی های فعلی فرد او را به سمت بالا هل دهیم همسو است و با نظر نودینگر ۵ که آموزش باید براساس نیازهای واقعی فرد باشد همسو است. مقوله مدیریت شکوفایی به عنوان سومین مقوله از شرایط علی با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: شناسایی قابلیت های فردی دانش آموزان، مدیریت انگیزش درونی، ایجاد امنیت روانی و فضای اعتماد استفاده از تفاوت فردی در غنای یادگیری، هدایت تحصیلی تخصصی و کارآمد، نگهداشت استعدادها و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: وقتی در مورد فرهیختگی دانش آموز صحبت می کنیم این امر خودبخود ایجاد نمی شود در این فرایند شکوفاسازی توانمندی های دانش آموز در فرایندی مدیریت محور و گام به گام از طریق ایجاد بسترها (شناسایی قابلیت های فردی دانش آموزان، مدیریت انگیزش درونی، ایجاد امنیت روانی و فضای اعتماد استفاده از تفاوت فردی در غنای یادگیری، هدایت تحصیلی تخصصی و کارآمد، نگهداشت استعدادها) فراهم می شود. این شرط علی نقش محرک فعال به تسهیل گری رشد می پردازد و ویژگی های مثبت دانش آموز را به سمت فرهیختگی سوق می دهد این یافته با روانشناسی مثبت سیلگمن و با نظریه طرز رشد فکر کارول دوک ۶ همسو است. مقوله هایی بخش علی با فطرت الهی در سند تحول بنیادین از این سو مطابقت دارد که مقوله های علی بر تبدیل قوه به فعل فطرت الهی متمرکز هستند. فطرت الهی در سند تحول یک غایت است در مدل مقولات علی متدولوژی برای رسیدن به آن هستند.

نتایج حاصل از تحلیل تفسیری داده ها در شرایط زمینه ای؛ شامل مقوله اکوسیستم یادگیری متعالی با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: یادگیری سیال فرامکانی و فرازمانی، یادگیری شبکه ای، تقویت تفکر خلاق، تقویت تفکر انتقادی و تقویت تفکر تحلیلی و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: این مقوله بیان می کند که اکوسیستم و زمینه باید محرک یادگیری متعالی باشد که فرد را به فرهیختگی برساند و نقش بستر امکان ساز آن را ایفا می کند و این اکوسیستم فراتر از محیط فیزیکی به معنای فراهم آوری فرصت های آموزشی، ارزشی، و اجتماعی و

² Heidegger, paulo Freire and carl Rogers

³ Amartya Sen

⁴ Vygotsky

⁵ Noddings

⁶ Carol Dweck



ICPSE
2026

فضای عملیاتی فراتر از یک محیط فیزیکی، به عنوان فراهم آورنده پتانسیل های فردی تحت تأثیر ساختارهای محیطی قرار می گیرند. این مقوله با نظریه مدیریت بسترهای اجتماعی همسو الینور اوستروم ۷، تربیت متعالی گیروکس (۲۰۱۰) رهیة انتقادی نوسیام (۱۹۱۰) همسو است. فرهیختگی در عصر جدید نیازمند اکوسیستمی است که مرزهای درس را جابجا کرده و با پیوند بین یادگیری، تکنولوژی واقعیت های اجتماعی را دانش آموز در بستری سیال تجربه کند. مقوله محیط های ارزش محور به عنوان دومین مقوله از شرایط زمینه ای با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: الگودهی اخلاقی معلم، حمایت عاطفی، منش اخلاقی و درونی سازی ارزش ها و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: محیط ارزش محور یک محیط عملیاتی و کنشی براساس نمره، رقابت و فناوری محض نیست بلکه عمل براساس ارزش ها، که در ارزش های انسانی مانند عدالت، صداقت و مسئولیت پذیری از حالت انتزاعی خارج شده و در ساختارهای اجتماعی، قوانین رفتاری و تعاملات روزمره نهادینه شده اند و جو روانی لازم برای تبدیل پتانسیل های اخلاقی دانش آموز به رفتارهای فرهیخته را فراهم می کند و بدون وجود چنین بستری تلاش برای فرهیخته پروری با تقابل "آموزش اخلاق" در برابر "فرهنگ نمره محوری" مواجه خواهد شد. در این فرایند الگودهی اخلاقی معلم، حملیت عاطفی معلم، مدرسه، خانواده و محیط، به منش اخلاقی و درونی سازی ارزش ها کمک می کند این مقوله با مدل یلیه بندی شده ادگار شاین در مورد فرهنگ سازمانی همسو است. مقولات در شرایط زمینه ای شرایط عملیاتی فضای دارالتربیه در سند تحول بنیادین را نمایان می کند.

نتایج حاصل از تحلیل تفسیری داده ها در شرایط مداخله ای؛ شامل مقوله تاب آوری سیستمی و اجتماعی به عنوان اولین مقوله از شرایط مداخله ای با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: قابلیت بازآرایی، انعطاف پذیری و تنوع و افزودگی و با استفاده از متن مصاحبه های مربوطه تبیین می شود: منظور از این مقوله این است سیستم اجتماعی و محیطی برای تحقق فرهیخته پروری در مقابل بحران ها، آسیب ها و حوادث ناگهانی تاب آوری داشته باشد چون تاب آوری فردی هم تابع آن است پس اگر تاب آوری تقویت نشود بحران ها، حوادث و مشکلات پیش بینی نشده می تواند فرهیخته پروری را تضعیف کند. شبکه های حمایتی باید تقویت شود تا دانش آموزان در مواجهه با تنش ها طرد نشوند. قابلیت بازسازی ساختارهای اجتماعی در مواجهه با بحران، و قابلیت یادگیری و خوداصلاحی همان تاب آوری است این مقوله با مفهوم تاب آوری سیستمیک در نظریات مدیریت بحران های اجتماعی همخوانی دارد. مقوله پویایی قدرت و نابرابری به عنوان دومین مقوله از شرایط مداخله ای با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: شکاف دسترسی و مهارت های تکنولوژیک، نابرابری سرمایه فرهنگی و منابع مادی و تضعیف سواد اطلاعاتی و با استفاده از متن مصاحبه های مربوطه تبیین می شود: در خصوص شکاف دسترسی و مهارت های تکنولوژیک: پویایی قدرت در محیط های آموزشی، مطابق نظر نوگارد و سلوین در توزیع نابرابر منابع و کنترل بهره برداری از ابزارها خود را نشان می دهد. در مناطق کم درآمد اغلب دانش آموز در سطح استفاده از ابزارها و مصرف محدود می شود، در حالیکه در بحث فرهیخته پروری تکنولوژی به عنوان ابزار تفکر انتقادی و تولید سرمایه و بازتولید قدرت از طریق تکنولوژی است. این مقوله به لایه های پنهان نابرابری ساختاری در محیط واقعی که مانع فرهیخته پروری است می پردازد در حالیکه عدالت آموزشی در سند بالادستی تحول بنیادین به صورت آرمانی آمده است و یک شعار را به واقعیتی جامعه شناختی پیوند می زند. در خصوص نابرابری سرمایه فرهنگی و منابع مادی مطابق نظر پیربوردیو منابع، تجهیزات و فضای آموزشی صرفاً بستر بوده سرمایه فرهنگی نهادینه شده که همانا نحوه تعامل با نهاد آموزش، مهارت های زبانی و شبکه های ارتباطی است، قدرت را بازتولید می کنند و می توانند مانع مسئولیت فرهیخته پروری شوند. در خصوص تضعیف سواد اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی نابرابری در قدرت سواد



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اطلاعی خود را نشان می دهد. کسی که قدرت تحلیل، راستی آزمایی و نقد محتوا را ندارد دچار "استعمار شناختی" می شود و دانش آموز را خسته به یک عامل تغییر بلکه گیرنده منفعل تبدیل می کند و مسئولیت فرهیخته پروری را با چالش مواجه می کند. یافته های پژوهش نشان می دهد مقوله پویایی قدرت و نابرابری در شبکه ای از نابرابری های مرکب نمود می یابد. شکاف در مهارت های تکنولوژی با نابرابری در سرمایه فرهنگی گره خورده و منابع مادی بدون پیوست فرهنگی فاقد اثربخشی در تربیت دانش آموز فرهیخته هستند و تضعیف سواد اطلاعاتی به مثابه یک شکاف شناختی دانش آموز را از قدرت تشخیص و نقد محروم کرده و سیستم آموزشی به جای توانمندسازی به بازتولید سلسله مراتب قدرت موجود دامن می زند. پس در فرهیخته پروری نیازمند عدالت آموزشی نه در توزیع ابزار که در توزیع قابلیت های شناختی و سواد انتقادی است. پس تکنولوژی و سرمایه فرهنگی در مدل فرهیخته پروری حامل ایدئولوژی قدرت به عنوان مقوله مداخله ای هست.

نتایج حاصل از تحلیل تفسیری داده ها در شرایط راهبردی؛ مقوله تحقق تعالی شناختی به عنوان اولین مقوله از شرایط راهبردی با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: ساعی پروری، کمک به ایجاد موفقیت، ارزیابی ثمربخش دانش آموز و یاددهی - یادگیری اثربخش و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه تبیین می شود: این مقوله با زتاب دهنده گذار از آموزش حافظه محور به سمت توسعه ظرفیت های ذهنی و تحلیلی است و بدون انگیزش درونی محقق نمی شود. مولفه ساعی پروری با "پرورش روحیه تلاشگری" در سند تحول بنیادین همسو است. مولفه کمک به ایجاد موفقیت تعالی شناختی نیازمند بستر سازی برای تجربه موفقیت های کوچک برای تقویت خودکارآمدی است در سند تحول بنیادین با هدف کلان ساحت تعلیم و تربیت عقلانی که مدرسه باید محیطی باشد که در آن دانش آموزان با تجربه موفقیت به باور توانمندی خود می رسند، همسو است. ارزیابی ثمربخش در این ایگو نه ابزار قضاوت، بلکه ابزار شناخت است و با زیرمقوله توصیفی کیفی در سند تحول بنیادین همخوانی دارد تا تعالی شناختی جایگزین رقابت های نمره محور شود. هدف از مولفه یاددهی یادگیری در اینجا نه انتقال صرف اطلاعات، بلکه یادگیری فعال و اکتشافی است. و در سند تحول بنیادین با "حاکمیت رویکرد فعال" در بندهای مربوط به ارتقای کیفیت آموزشی مطابقت دارد. و اینجاست که معلم تسهیل گر تعالی شناختی است. مقوله هدایت رسالتی به عنوان دومین مقوله راهبردها با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: جهت دهی هدفمند، مشاوره کاربردی و پاسخگویی و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: این مقوله به این اشاره دارد که در فرهیخته پروری علاوه بر هدایت دانش آموز به سمت یادگیری، هدایت او به سمت یافتن معنا و رسالت فردی هدف اصلی است اینکه به دانش آموز کمک کشود بفهمد "من در این جهان برای چه هستم و چگونه می توانم با دانش خود به دنیا خدمت کنم و پاسخ به سوالات بنیادین زندگی و پیوند دادن آنچه می آموزد و آنچه قرار است باشد و دانش آموز از سطح یادگیرنده به سطح فردی رسالت محور سوق داده شود. این مقوله با نظریه معناگرایی و ویکتور فرانکل همسو است. در تبیین این مقوله باید از مفاهیم کلاسیک هدایت تحصیلی فاصله گرفته و به سمت "هدایت وجودی و تمدنی" حرکت کنیم که دانش آموز را از انتظار درس خواندن صرف به یک عامل تغییر تبدیل می کند. و به دنبال پیوند بین علایق فردی و خیر عمومی است. در تبیین مولفه جهت دهی هدفمند: در دنیایی که هم اکنون با بحران معنا روبروست، جهت دهی فراتر از انتخاب رشته و فراتر از آن به جهت دهی به ارداهای معطوف به خدمت است. مطابق مطالعات اخیر در دانشگاه استنفورد، دانش آموزانی که هدف خود را در چارچوب رسالت اجتماعی فراتر از منافع شخصی می بینند، تاب آوری و تفکر خلاق بیشتری از خود بروز می دهند. جهت دهی هدفمند در مدل فرهیخته پروری به عنوان قطب نمایی درونی در دانش آموز برای تشخیص مسیر درست است. در تبیین مشاوره کاربردی منظور نه یک رابطه سلسله مراتبی یک طرفه بلکه یک کنش گری همیارانه است. این راهبرد بر نقش تسهیل گر با زتابی تاکید دارد که در آن مربی به دانش آموز



ICPSE
2026

کمک می کند تا آموخته های انتزاعی علمی را در حل مسائل واقعی محیط زندگی؛ محله، مدرسه و جامعه به کار گرفته و در اینجا است که دانش به عمل رسالتی تبدیل می شود. در تبیین پاسخگویی؛ پاسخگویی به معنای پذیرش بار امانت دانش و خروجی اخلاقی آن است و دوجه دارد؛ الف) پاسخگویی درونی (تعهد اخلاقی فرد به ظرفیت ای خویش) و ب) پاسخگویی بیرونی (تعهد به جامعه). پژوهش ها نشان می دهد اگر فرد در فرایند یادگیری خود را در قبال نتایج فعالیت هایش پاسخگو بداند عاملیت او به شدت تقویت می شود. هدایت رسالتی پاسخ استراتژیک مدل حاضر به شکاف بین نظام آموزشی رسمی و نیازهای عینی حیات طیب (منطبق با سند تحو بنیادین) است. و علاوه بر تطبیق فرد با نیازهای بازار کار به دنبال تطبیق فرد با رسالت های متعالی جامعه است. هدایت رسالتی موتور محرک مدل در جهت پیوند فرد با اجتماع است. مقوله تعاملات دیالوژیک به عنوان سومین مقوله شرایط راهبردی با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: پذیرش دیگری، توانایی همکاری با دیگران، مهارت گوش دادن و تنش سازنده، معنایابی، بازگشت به خود، رشد خودآگاهی و بازیابی هویت اصیل و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: کلمه دیالوژیک از کلمه یونانی دیالوگ به معنی گفتگوی دوطرفه گرفته شده است و در فارسی به گفتگویی یا دیالوگی ترجمه می شود و در اینجا منظور از تعاملات دیالوژیک به عاملیت دیالوژیک یعنی تغییردهنده و تحول آفرین بودن، باز و رابطه مند آن است. تعاملات دیالوژیک به اخلاق گفتگو می پردازد و به عنوان مقوله ای از فرهیختگی به معنای گوش دادن نه به معنای سکوت برای پاسخ دادن، بلکه به معنای حضور فعال و گشودگی به منطق دیگری است. در فضای تربیتی نوین تضارب آراء نه برای حذف بلکه برای تولید معنای سوم و تنش سازنده به کار می رود. این مقوله با نظرات میخائیل باختین^۸ و چارلز تیلور^۹ همسو است. تعاملات دیالوژیک بازگشت به خود، هویت اصیل و بازناسی و بازیابی مرزهای هویت و معنایابی در مواجهه با جهان زیسته است. مقولات راهبرد با یادگیری فعال و تربیت عقلانی سند تحول بنیادین قابل تطبیق است. در مقوله تعاملات دیالوژیک تربیت نه از طریق دستور، بلکه از طریق مواجهه آزادمنشانه با مفاهیم اختیار و کرامت انسانی در سند همسو است.

نتایج حاصل از تحلیل تفسیری داده ها در پیامدها مقوله مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان اولین مقوله پیامدها با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: اخلاق مداری دیجیتال و هوش مصنوعی، همدلی، اخلاق مدنی و مشارکت جویی اجتماعی و با استفاده از تلفیق متن مصاحبه های مربوطه، تطبیق با منابع و سند تحول بنیادین تبیین می شود: فرد فرهیخته مرزهای من را تا ما و جهان گسترش می دهند. در جهان پسادیجیتال، مسئولیت پذیری در حوزه اخلاقی فناورانه مهم است. و دانش آموز باید رویکردی اخلاقی و انتقادی نسبت به آن داشته باشد و از عاملیت انسانی در برابر سلطه الگوریتمیک محافظت کند. همدلی فراتر از یک حس گذرا نوعی شناخت عاطفی مسئولانه و زیربنای اخلاق مدنی است. فرد فرهیخته به واسطه همدلی رنج دیگری را به عنوان مسئله ای شخصی درک کرده و آن را به مشارکت جویی اجتماعی تعبیر می کند. مشارکت جویی به معنای کنش جمعی اثربخش است.. یافته ها حاکی از آن است که مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان پیامد محوریه، دلالت بر پاسخگویی در مدل فرهیخته پروری دارد. این فرایند تربیتی فرد را از خودمحوری به مسئولیت تمدنی رهنمون می کند. اخلاق مداری دیجیتال و هوش مصنوعی مرزهای جدیدی برای پاسخگویی فرد تعریف می کند و و پیوند میان همدلی و اخلاق مدنی دانش آموز را به یک کنشگر اجتماعی تبدیل می کند. که مشارکت جویی را نه به عنوان یک تکلیف که تحقق کمال انسانی می داند. بدین ترتیب دانش آموز فرهیخته کسی است که در جهان متصل و پیچیده امروز در فضای واقعی و مجازی وجدان جمعی را نمایندگی می کند.

^۸ . Mikhail Mikhailovich Bakhtin

^۹ . Charles Taylor



ICPSE
2026

این مقوله در پژوهش نوسیم (۱۹۱۰) با پژوهش گیرکس (۲۰۱۱)، سیلگمن (۲۰۱۸) و اوگامبردیوا (۲۰۲۶) همسو است. مقوله خودتنظیمی عالی به عنوان دومین مقوله پیامدها با توجه به زیرمجموعه های آن شامل: خودمدیریتی، فراروان شناختی و سواد رسانه ای و با استفاده از تلفیق منابع و متن مصاحبه های مربوطه تبیین می شود: خودتنظیمی عالی نه یک مهارت انضباطی بلکه ساختار مدیریت درو یافرد است. خودمدیریتی فراتر از انضباط شخصی به معنای تنظیم ارادی منابع درونی (زمان، انرژی و تمرکز) در راستای غایات متعالی است فرد به مدیریت استراتژیک وجود خویش بدل می شود. فراروان شناختی فرد می اندیشد و بر اندیشیدن خود اشراف دارد و این همان نظارت انتقادی در عملکرد ذهنی است. که مانع از خطای شناختی و سطحی نگری می شود. سواد رسانه ای فیلتر شناختی در برابر هجوم داده هاست. فرد فرهیخته با خودتنظیمی در برابر بمباران اطلاعاتی موضع استقلال معرفتی اتخاذ می کند. این مقوله با نتایج پژوهش میشر اوکوهلر (۲۰۱۶) و ریل (۲۰۱۵) همسو است. مقوله های مسئولیت پذیری اجتماعی و خودتنظیمی عالی نمود عینی شهروند تراز در نظام توحیدی سند تحول هستند. در سند تحول بنیادین خروجی نهایی را عبد صالح می داند که با خودتنظیمی عالی؛ نمود دنیوی و روان شناختی که همان عبودیت آگاهانه است که نیازی به نظارت بیرونی ندارد و این غایت کمال انسانی در سند است، مطابقت دارد.

این مدل در مقام تفسیرگرایی و عملیاتی سازی سند تحول بنیادین و با بهره گیری از نظریه داده بنیاد چگونه شدن را در بستر واقعیت های نظام آموزشی (نابرابری های ظرفیت های نهفته) تبیین می کند.

محدودیت ها:

علیرغم جامعیت رویکرد آمیخته محدودیت های ذیل احساس می شود:

اگرچه تلفیق داده های کیفی و کمی توانست به غنای مدل فرهیخته پروری کمک کند اما چالش همگام سازی مفاهیم عمیق کیفی با شاخص های کمی سنجش همواره در معرض خطر ساده انگاری مفاهیم بوده است.

ماهیت مقطعی پژوهش مانع از رصد تحولات رفتاری بلندمدت دانش آموزان در مسیر تحقق مدل می شود.

استفاده از ابزارهای خودگزارشی که نتایج براساس ادراک شخصی شرکت کنندگان استخراج شده است. این احتمال هست که پاسخ ها تحت تأثیر تمایل به مطلوب نمایی قرار گرفته باشد یعنی شرکت کنندگان به جای بیان دقیق رفتار خود پاسخ هایی را انتخاب کنند که با ارزش های اخلاقی و اجتماعی سازگارتر است.

پیشنهادهای:

پیشنهادهای کاربردی براساس شرایط زمینه ای:

بازطراحی اکوسیستم آموزشی از محتوا محور به سمت ارزش محور به گونه ای که محیط مدرسه نه تنها فضای انتقال دانش بلکه مکانی برای تجربه زیسته ارزش های انسانی باشد.

خلق فضاهای یادگیری متعالی: طراحی محیط های آموزشی (فیزیکی و مجازی) فراتر از استانداردهای کلامی از نظر کیفی از امنیت روانیو تحریک کنجگاو معرفتی برخوردار باشند تا بستر لازم برای رشد مقوله های بعدی فراهم شود.

پیشنهادهای کاربردی براساس شرایط مداخله گر:



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

ایجاد شبکه های حمایتی در مدارس برای مواجهه با بحران های اجتماعی و روانی، تا دانش آموزان بتوانند در مواجهه با آشفتگی های دنیای مدرن هویت اخلاقی خود را حفظ کنند.

تدوین سیاست های برای شناسایی و تعدیل نابرابری اجتماعی در محیط مدرسه

پیشنهادهای کاربردی براساس شرایط علی

جایگزینی روش های تک سویه با تعاملات دیالوژیک یعنی طراحی کلاسهایی که در آن معلم و دانش آموز در یک گفتگوی برابر به کشف حقیقت بپردازند که در نهایت به تحقق تعالی شناختی منجر می شود.

گنجاندن فعالیت های پروژه محور که دانش آموز را با مسائل واقعی جامعه درگیر کند .

پیشنهادهای کاربردی براساس پیامدها:

ایجاد سیستم ارزیابی که به جای تمرکز بر نمرات بر شکوفایی استعداد های درونی دانش آموز تمرکز دارند.

ادغام هوش هیجانی و خودفرمانبری در برنامه درسی برای تقویت حیطه عاطفی که پیش شرط رسیدن به خودتنظیمی عالی و مسئولیت اجتماعی است.

منابع



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

Egamberdiyeva, D. S. (2026). The Role of Creative Thinking in Individual Intellectual Development. Web of Semantic: Universal Journal on Innovative Education, 5(3), 236-240.

Mirzamurodovich, F. M. (2026, January). THE IMPACT OF PSYCHOLOGICAL LITERACY ON ADOLESCENT INTELLECTUAL DEVELOPMENT. In London International Monthly Conference on Multidisciplinary Research and Innovation (LIMCMRI) (Vol. 3, No. 2, pp. 458-462).

Joukova, E. S., Bogoyavlenskaya, D. B., & Artemenkov, S. L. (2023). The Main Characteristics of the Intellectual and Personal Development of Today's Primary Schoolchildren. New Ideas in Child and Educational Psychology, 3(1-2), 48-67.

Joukova, E. S., Bogoyavlenskaya, D. B., & Artemenkov, S. L. (2023). The Main Characteristics of the Intellectual and Personal Development of Today's Primary Schoolchildren. New Ideas in Child and Educational Psychology, 3(1-2), 48-67

Seligman, M. E. P. (2018). PERMA and the building blocks of well-being. In Well-being and human development (pp. 1-15). Springer

Ribble, M. (2015). Digital citizenship in schools: Nine elements all students should know (3rd ed.). International Society for Technology in Education (ISTE).

Nussbaum, M. C. (2010). Not for profit: Why democracy needs the humanities. Princeton University Press

Mishra, P., & Koehler, M. J. (2006). Technological pedagogical content knowledge: A framework for teacher knowledge. Teachers College Record, 108(6), 1017-1054. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9620.2006.00684.x>

Oakeshott, M. (1989). The voice of liberal learning. Yale University Press